



روش های تربیت دینی و اخلاقی کودکان مبتنی بر آیات و روایات

حیدرعلی جهان بخشی^۱

چکیده

هدف از نگارش این مقاله تبیین روش های تربیت دینی و اخلاقی مبتنی بر آیات و روایات است. این پژوهش به روش اسنادی - تحلیلی از نوع کیفی با استفاده از منابع کتاب خانه ای صورت گرفته و داده های آن با مراجعه به ادله کتاب و سنت و علوم تربیتی جمع آوری شده است. یافته ها مبین آن است که عمده مباحث تربیتی در حوزه علوم انسانی بر مبنای سکولار نهادینه شده و تنها راه برون رفت از این چالش، تمسک به آیات و روایات مبتنی بر منبع وحی است. در این میان چگونگی کاربری تربیت دینی و اخلاقی از جمله مباحثی است که بیش از دیگر مباحث علوم رفتاری ضرورت یافته است. بر این اساس، مربی اعم از والدین، معلم و سرپرست قانونی کودک باید در امر تربیت، همه ساحت های تربیت را، خصوصاً تربیت دینی و اخلاقی را، وجه همت خویش قرار دهد و کودک را در راستای کمال و قرب الهی رهنمون سازد. بهترین و غنی ترین منبع برای دست یافتن به تربیت دینی و اخلاقی، سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) معرفی شده است. این مهم بر اساس رهنمودهای معصومان (ع) از هنگام تولد آغاز می شود. از این رو، مربی با بهره جستن از روش های تربیت اسلامی موجبات رشد و بالندگی کودک را فراهم می سازد. این روش ها عبارتند از: روش های صیانت از نفس، موعظه، الگویی، تشویق و ترغیب، تنبیه و... که از مؤثرترین روش، صیانت از نفس و ناگزیرترین آن، روش تنبیه معرفی شده است.

کلیدواژه ها:

سیاست پژوهی، تحول، تربیت دینی و اخلاقی، روش های تربیتی، کودکان، آیات و روایات

۱۹

دوره ۵، شماره ۳، پیاپی ۱۹
پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵-۱-۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵-۶-۱۲

صص: ۳۱-۴۹

شابا چاپی: ۰۲۶۳-۲۳۸۳

رتبه علمی

ب

پورتال مجله های علمی
JOURNALS.MSRT.IR

۱. مقدمه و بیان مسأله

تربیت فرآیندی مستمر، پویا و هدفمند است که در جهت رشد همه‌جانبه انسان و شکوفایی استعدادهای او صورت می‌گیرد و ابعاد گوناگون جسمانی، شناختی، روانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی را دربرمی‌گیرد. در نگاه اسلامی، این رشد همه‌جانبه صرفاً به تأمین نیازهای مادی و دنیوی انسان محدود نمی‌شود، بلکه غایت آن دستیابی به کمالات وجودی و تقرب الهی است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۴). بر این اساس، تربیت کودک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا بخش مهمی از شخصیت، نگرش، عادات و گرایش‌های او در سال‌های نخست زندگی شکل می‌گیرد و کیفیت این دوره می‌تواند در مراحل بعدی حیات فرد تأثیرگذار باشد. از این رو، مربی، اعم از والدین، معلم و سرپرست قانونی کودک، شایسته است همه ساحات‌های تربیتی را مورد توجه قرار دهد و در میان آنها، تربیت دینی و اخلاقی را به دلیل نقش بنیادین آن در شکل‌گیری شخصیت معنوی و اخلاقی کودک، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار سازد.

تربیت دینی، عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفداری که با هدف آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد و ایجاد تعهد و پایبندی آنان در نظر و عمل انجام می‌شود (داوودی، ۱۳۹۴: ۲۶). هرچند این تعریف قابلیت انطباق بر ادیان مختلف را دارد، مقصود در پژوهش حاضر، تربیت دینی با رویکرد اسلامی است؛ تربیتی که بر پایه قرآن کریم و منویات پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) استوار است و در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکامی تجلی می‌یابد.

تربیت اخلاقی نیز ناظر به آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی در انسان است (داوودی، ۱۳۹۱: ۱۱) و دربرگیرنده فرایندی است که از طریق آن، شناخت فضایل و رذایل، ایجاد نگرش اخلاقی و گرایش به اخلاق حسنه در فرد زمینه‌سازی می‌شود (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰). در منظومه معارف اسلامی، تربیت اخلاقی از دایره تربیت دینی خارج نیست؛ بلکه اخلاق و دین پیوندی بنیادین با یکدیگر دارند. پیامبر اکرم (ص) یکی از اهداف اساسی بعثت خویش را تکمیل مکارم اخلاق معرفی کرده و فرموده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (نوری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۸۷). بنابراین، تربیت دینی بدون توجه به تربیت اخلاقی، نمی‌تواند تصویر کاملی از تربیت اسلامی ارائه دهد.

در تعالیم اسلامی، هدف غایی تربیت اخلاقی، رساندن انسان به کمال و قرب الهی است و اخلاقی زیستن، هرچند می‌تواند در زمره اهداف میانی تربیت قرار گیرد، نقش بنیادینی در تحقق این هدف غایی دارد. قرآن کریم نیز ارزشمندی انسان را در کیفیت عمل و نیکویی کردار او مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷).

بر این اساس، تربیت اخلاقی صرفاً انتقال مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها نیست، بلکه فرایندی برای شکل‌دهی به شخصیت و رفتار انسان در مسیر کمال است. اهمیت این مسئله در اندیشه تربیتی متفکران نیز مورد توجه قرار گرفته است؛



چنان‌که کانت، تربیت اخلاقی را از دشوارترین مسائل تعلیم و تربیت دانسته و بر ضرورت شکل‌گیری منش و خوی اخلاقی در انسان تأکید کرده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۲). از این منظر، توجه به تربیت اخلاقی از دوران کودکی، نه یک امر حاشیه‌ای، بلکه یکی از ارکان اساسی تربیت انسان محسوب می‌شود.

اهمیت این مسئله در شرایط معاصر دوجندان می‌نماید؛ چه اینکه امروزه طرح مباحث تربیتی در حوزه علوم انسانی عمدتاً بر مبانی سکولار و علوم رفتاری غرب استوار است که در آن اخلاق امری است نسبی. از این رو، راهکار برون رفت از این چالش، تمسک به آیات و روایات مبتنی بر منبع وحی است که از سویی با سبک زندگی اسلامی همخوانی دارد و از دیگر سو، تحول علوم انسانی را در پی دارد و پاسخ‌گو به مسائل عینی جامعه است. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از منابع دینی برای بازاندیشی در مبانی و روش‌های تربیت می‌تواند زمینه توجه دوباره به ظرفیت‌های معرفتی قرآن و سنت را فراهم سازد. آیات قرآن کریم و روایات معصومان(ع) صرفاً متضمن مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی نیستند، بلکه دربردارنده اصول، الگوها و شیوه‌هایی هستند که می‌توانند در فرایند تربیت کودک مورد استفاده قرار گیرند. از این رو، رجوع روشمند به منابع وحیانی و استخراج شیوه‌های تربیتی از آنها، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای تربیتی جامعه اسلامی، می‌تواند در جهت تقویت سبک زندگی متناسب با مبانی اسلامی در علوم انسانی نیز مؤثر واقع شود.

در این میان، تربیت دینی و اخلاقی کودک از بنیادی‌ترین نیازهای رشد انسان به شمار می‌رود؛ زیرا شکل‌گیری شخصیت معنوی، اخلاقی و عبادی انسان از سال‌های نخست زندگی آغاز می‌شود و این دوره، زمینه مهمی برای پذیرش و درونی‌سازی ارزش‌ها و تکالیف الهی در مراحل بعدی حیات فراهم می‌کند. توجه صحیح به این دو ساحت تربیتی می‌تواند در شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی، سلامت و آرامش روانی، بهبود روابط اجتماعی و حرکت انسان در مسیر سعادت و کمال مؤثر باشد. از این رو، مسئله اساسی صرفاً ضرورت تربیت دینی و اخلاقی کودک نیست، بلکه چگونگی تحقق این تربیت و روش‌هایی است که مربی می‌تواند متناسب با ویژگی‌های کودک و مراحل رشد او به کار گیرد. به بیان دیگر، برخورداری از اهداف ارزشمند تربیتی زمانی به نتیجه مطلوب می‌انجامد که از روش‌های متناسب و مؤثر برای تحقق آنها استفاده شود.

بدین ترتیب، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که روش‌های تربیت دینی و اخلاقی کودکان در آیات قرآن کریم و روایات معصومان(ع) کدام‌اند و این روش‌ها به اقتضای شرایط و شخصیت کودک چگونه در فرایند رشد و بالندگی کودک قابل تبیین هستند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم مراجعه مستقیم به منابع دینی، استخراج داده‌های مرتبط و تحلیل محتوای آنهاست.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین روش‌های تربیت دینی و اخلاقی کودکان مبتنی بر آیات و روایات انجام شده است. در این پژوهش با استمداد از نوع کیفی به روش اسنادی-تحلیلی، تلاش می‌شود با استفاده از منابع کتاب و

سنت و بهره‌گیری از یافته‌های مرتبط در علوم تربیتی، مهم‌ترین روش‌های تربیت اسلامی کودک شناسایی و تحلیل شوند و جایگاه آنها در فرایند تربیت دینی و اخلاقی مورد بررسی قرار گیرد. انتظار می‌رود نتایج این مطالعه بتواند تصویری منسجم از روش‌های تربیتی مورد تأکید منابع اسلامی ارائه دهد و ظرفیت آنها را برای بهره‌گیری والدین، معلمان و سایر مربیان در تربیت دینی و اخلاقی کودکان روشن سازد.

۲. پیشینه تحقیق

- حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «درآمدی بر الزام فرزندان به تکالیف دینی» الزام فرزندان به تکالیف دینی را جزء وظایف شرعی والدین می‌داند و در این مقاله از روش اجتهادی و فقهی بهره گرفته است؛ لیکن علی‌رغم اطلاق در عنوان، نویسنده تنها به تکالیف نماز و روزه بسنده نموده است و نسبت به دیگر امور تربیت دینی فرزندان بحثی به میان نیاورده است.

- فضل‌الهی، سیف‌اله و جهان بخشی حیدر علی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه فرهنگی و مبانی تربیتی آن در قرآن» در میان ساحت‌های تربیت، تربیت فرهنگی را به عنوان رکن توسعه پایدار و قرآن را معتبرترین منبع فکری آن معرفی کرده است. نویسنده در این مقاله تربیت فرهنگی را در راستای قرب الهی از رهگذر آیات قرآن در ابعاد فردی، اجتماعی و سیاسی جستجو کرده است.

- محمد نژاد و جهان بخشی (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «مثنوی مولانا و آموزه‌های اخلاقی برگرفته از قرآن و روایات» نشان داده است که مثنوی مجموعه‌ای است از آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی. غرض مولانا از سرودن آن، راهنمایی و راهبری مخاطب به سمت ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. مولانا در مثنوی زبان ادیبانه به کار نمی‌گیرد. شعر برای او قالب نیست، آنچه در شعر مولانا اهمیت و جلوه دارد فکراست و معنویت و عشق. در این تحقیق، بی‌آن که براساس نظام تربیتی تفکیکی میان مفاهیم اخلاقی صورت گرفته باشد، گهرهای شاهوار و نفیس ادب نفس و اخلاق از گنجینه ارزشمند مثنوی استخراج گشته، به گونه ساده و هدفمند به مشتاقان فضیلت عرضه شده است.

- اعرافی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «تربیت فرزند با رویکرد فقهی» در ضمن تربیت عبادی به گونه فقه استدلالی به مباحثی هم‌چون وجوب تربیت فرزندان و الزام فرزندان به نماز و روزه پرداخته است. نویسنده از روش‌های تربیتی بهره‌جسته، مواخذه فرزندان و در نهایت حکم به تنبیه آن‌ها را به جهت ترک نماز و روزه آن‌هم به عنوان آخرین روش مشروع دانسته است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده هر یک، بخشی از ابعاد تربیت دینی و اخلاقی را مورد توجه قرار داده‌اند. حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۸۹) و اعرافی (۱۳۹۵) عمدتاً با رویکرد فقهی و استدلالی به مسئله الزام فرزندان به برخی تکالیف دینی، به‌ویژه نماز و روزه، پرداخته‌اند و دامنه بحث آنان بیشتر ناظر به احکام و الزامات شرعی تربیت عبادی بوده



است. فضل الهی و جهان بخشی (۱۳۹۳) نیز تربیت فرهنگی را از منظر قرآنی بررسی کرده اند و تمرکز اصلی آنان بر تبیین مبانی و کارکردهای فرهنگی تربیت در ابعاد فردی، اجتماعی و سیاسی بوده است. همچنین محمدنژاد و جهان بخشی (۱۳۹۴) آموزه های اخلاقی مثنوی مولوی را با الهام از قرآن و روایات استخراج کرده اند، اما پژوهش آنان صرفاً ناظر به مفاهیم اخلاقی بوده نه شیوه و چگونگی کاربرستی آن.

بنابراین، علی رغم ارزش علمی پژوهش های پیشین، پژوهش حاضر درصدد است این خلأ را پوشش دهد و با بهره گیری از روش اسنادی - تحلیلی، مهم ترین روش های تربیت دینی و اخلاقی کودکان، از جمله صیانت از نفس، موعظه، الگودهی، تشویق و ترغیب و تنبیه را از منابع اسلامی استخراج، دسته بندی و تبیین نماید. از این رو، تفاوت اصلی پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین در تمرکز بر «روش های تربیت دینی و اخلاقی کودکان مبتنی بر آیات و روایات» و ارائه تصویری منسجم از این روش ها در چارچوب نظام تربیتی اسلام است.

۳. ساحت های تربیت

آدمی در شمار موجوداتی است که کمالشان در فطرت از وجود متأخر افتاده است. به همین جهت آدمیزاده در دوره رشد خود؛ یعنی در فاصله زمانی بین وجود تا کمالش به کمک دیگران نیازمند است و تربیت؛ یعنی مراقبت از رشدش ضرورت دارد. البته از آن جاکه رشد باید به تدریج از وابستگی موجود بکاهد تا سرانجام او را در مرحله نهایی به استقلال نسبی برساند، نوع نیازهای کودک و نحوه حمایت از حیات و مراقبت از رشدش در مراحل مختلف آن ضرورتاً فرق می کند (شکوهی، ۱۳۷۰: ۳۱). تربیت به جهت قلمرو گسترده نه اختصاص به سن خاصی دارد و نه صرفاً به امر آموزش تعلّق دارد. اگرچه تربیت در امر آموزش خصوصاً در دوران کودکی اهمیت بسزایی دارد؛ لیکن این مهم همه ابعاد زندگی آدمی را در بر می گیرد. از این رو، اندیشمندان علوم تربیتی به اقتضای نیاز متربّی اقسام مختلفی را برای تربیت متذکر شده اند که جهت تبیین به مهمّات آن ها اشارت می گردد:

۳-۱. تربیت دینی

تربیت دینی، عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها متعهد و پای بند گردند. (داودی، ۱۳۹۴: ۲۶)

در تعریف خاصّ دیگری آمده است: « تربیت دینی یعنی یاری رسانی به متربّی برای ایجاد و تقویت ایمان و التزام قلبی به دین توسط عامل انسانی دیگر ». (اعرافی، ۱۳۹۵: ۵۰) در تربیت دینی و تلاش برای دین دار پروری، باید از افراط در تکیه بر شناخت دهی و بارش اطلاعات دینی پرهیز کرد و نیز نباید در تاکید بر رفتارهای ظاهری زیاده روی کرد یا کشش ها و علایق متربّی و امیال و احساسات وی را نادیده انگاشت. اساساً روند تربیت دینی را باید از گرداب افراط و تفریط دور نگه داشت (اعرافی، ۱۳۹۵: ۵۰).

تربیت دینی به جهت قلمرو گستره آن شامل سه قسم است: اعتقادی، عبادی و اخلاقی که تربیت اعتقادی و عبادی به تبادر عقلاء جزء لاینفک تربیت دینی به شمار می رود. در خصوص تربیت اخلاقی بسیاری از دانشمندان علوم تربیت اسلامی آن را مقسم تربیت دینی قرار داده اند؛ چنان که داودی و اعرافی (داودی ۱۳۹۴، ۲۹ و اعرافی ۱۳۹۵، ۵۰) بر همین شیوه عمل کرده اند و بعضی از محققان به جهت پرهیز از مکتب سکولار به این تقسیم بسنده نکرده، تربیت دینی را مقسم تمام ساحات تربیتی دانسته اند و بر این عقیده اند که در دیگر ساحات نیز باید متربّیان به دستورات دینی ملتزم باشند در حالی که منافاتی ندارد که ما دیگر ساحات تربیت را از قبیل تربیت جسمانی، اقتصادی، سیاسی و... قسم تربیت دینی بدانیم؛ لیکن در عمل ملتزم به دستورات دینی هم باشیم و این مهم در همه حوزه های دیگر علوم و فنون جاری و ساری است. بر این اساس، قد متیقن آن است که تربیت اعتقادی و عبادی از اقسام تربیت دینی به شمار می رود:

۳-۱-۱. تربیت اعتقادی

اعتقادات گزاره‌هایی هستند که وضعیت کلی جهان و وضعیت انسان را در جهان مشخص می‌کنند و هر مسلمانی باید نسبت به آن گزاره‌ها شناخت و اعتقاد کافی داشته باشد. این که آیا جهان را آفریدگاری هست یا نه؟ آفریدگار جهان کیست؟ آیا آفرینش انسان عبث بوده یا آفریدگار انسان از آفرینش او هدفی را تعقیب می‌کرده است؟ سرانجام انسان چیست؟ انسان در مقابل خدا و دیگران چگونه باید رفتار کند؟ وظیفه‌ای دارد یا نه؟ پاسخ بسیاری از این پرسش‌ها در اعتقادات اسلامی مطرح می‌شود در بین اعتقادات اسلامی پنج اعتقاد از سایر اعتقادات مهم‌تر است که به اصول عقاید معروف هستند و عبارت‌اند از توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد (داودی، ۱۳۹۴: ۲۷).

تربیت اعتقادی، عبارت است از فرایند آموزش اعتقادات به متربّی و مجموعه اقدامات برای شکل‌دهی به نظام باورها، اقناع فکری و پذیرش قلبی و التزام درونی (اعرافی، ۱۳۹۵: ۵۶). بر این اساس، یکی از وظایف بسیار مهم متربّی در مبادرت به تربیت دینی متربّی، توجه دادن او به باورها و اصول اعتقادات است؛ خصوصاً نسبت به کودکان که شکل‌گیری شخصیت کودک بر اساس باورها و اعتقادات تکوین می‌یابد. بر همین اساس و به جهت اهمیت موضوع در قالب تربیت اعتقادی مطرح شده است.

۳-۱-۲. تربیت عبادی

تربیت عبادی، عبارت است از آموزش عبادات و مناسک و تلاش برای نهادینه کردن روح نیایش و انجام صحیح عبادات و اوامر الهی (اعرافی، ۱۳۹۵: ۶۳).

توجه به امر عبادت از امور بدیهی و از جمله نیازهای فطری بشر است. این مهم در تمام ادیان آسمانی مورد توجه انبیای الهی قرار داشته، در قالب مناسک به تعلیم و تربیت آن نسبت به فرزندان و امت خویش مبادرت می‌ورزیدند؛ چنان که امیرالمؤمنین (ع) خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: «وَأَنْ أُبْنِدَ لَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ



الْإِسْلَامَ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ ؛ مصمم شدم که نخست کتاب خدا را به تو بیاموزم و از تأویل آن آگاهی سازم و بیش از پیش به آیین اسلامت آشنا گردانم تا احکام حلال و حرام آن را فراگیری » (نهج البلاغه ، نامه ۳۱).

و تربیت عبادی از این روی ضرورت می یابد که تربیت دینی بدون توجه به آن ناقص خواهد بود و از سوی دیگر توجه به تربیت اعتقادی بدون عبادی نیز ارزشی نخواهد داشت (داودی ، ۱۳۹۴ : ۱۰۸).

۲-۳. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی عبارت است از : « مجموعه ای از فعالیت های تربیتی به منظور از میان بردن صفات های رذیلت و ایجاد صفات های فضیلت » (داودی ، ۱۳۹۱ : ۹). تربیت اخلاقی خود در حیطه تربیت قرار دارد و در جوامع دینی و مذهبی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده است (بهشتی ، ۱۳۸۱ : ۱۰). مقصود از تربیت اخلاقی فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست؛ زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است و بدین جهت در هر کشور و در هر منطقه ای از جهان آداب و رسوم اجتماعی ویژه ای بر اساس ملاحظات نژادی، جغرافیای، مکانی، زمانی ، اقلیمی، قبیله ای، گروهی، و ... ظهور و بروز پیدا می کند که در منطقه و مکان دیگر هیچ اعتباری ندارند. در صورتی که فرایند اخلاق یافته ها و آموزه ها و مسایل ریشه دار و بنیادین هستند و با فطرت انسان و با واقعیت تکوینی رابطه عمیق دارند (بهشتی ، ۱۳۸۱ : ۱۰). به عبارتی، در تربیت اخلاقی ، ارزش های اخلاقی مطلق هستند ؛ یعنی ارزش خود را به حسب زمان و مکان به دست نیاورده اند، بلکه اصولی ثابت و تغییر ناپذیر هستند.

بهترین و غنی ترین منبع برای دست یافتن به این مهم، علاوه بر ره آورد حکم عقل، سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است که می توان متربی را از رهگذر گفتار و کردار آن بزرگواران سیراب کرد.

۳-۳. تربیت عاطفی

تربیت عاطفی عبارت است از : « فرایند یاری رسانی به متربی برای شکوفا سازی و به کمال رسانی عواطف انسانی وی و نیز اصلاح رفتارهای غیر عاطفی » (موسوی و اعرافی ، ۱۳۹۵ : ۱۰۵) و هدف از آن این است که عواطف متربی به گونه ای رشد یابد تا به خوبی بتواند به خود ، خدا، دیگران و طبیعت توجه محبت آمیز داشته باشد (همان).

بر همین اساس، عواطف روحی انسان مورد توجه آیات و روایات فراوانی قرار گرفته است. چنان که خداوند در قرآن شرط لازم محبت را، که یکی از مصادیق بارز عاطفه است، تبعیت از خود دانسته، می فرماید: « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ » بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است » (آل عمران ، ۳۱).

بعضی از اندیشمندان حوزه تربیت (موسوی و اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۰۴) از این روی که اخلاق از صفات راسخ نفسانی است و اساسا رفتارهای عاطفی از صفات راسخ نفسانی ناشی می شوند، تربیت عاطفی را بخشی از تربیت اخلاقی به شمار آورده اند.

۳-۴. تربیت جسمانی

در نگاه اسلامی انسان مرکب از روح و جسم است. هر چند اسلام، اصالت، حقیقت و هویت انسان را روح او می داند، اما این نگاه به بی اعتنایی به جسم منجر نشده و بدن را مرکبی برای روح معرفی کرده است. میان روح و بدن ارتباط تنگاتنگی است و سلامت و بیماری بدن در روح اثر دارد. اختلالات روان تنی شاهی بر این مدعا است (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸۳). براساس تجارب و نیز یافته های علمی بشر دوران کودکی سنگ بنای رشد و تربیت کودک است و رشد جسمی و تکامل طبیعی وی در شکل گیری شخصیت بهنجار و مطلوب نقش بسزایی دارد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸۳). مقصود از تربیت جسمی آن است که مربی اعم از پدر و مادر و دیگران کودک را در برابر سرما و گرما و آفات و حوادث مختلف از آسیب محافظت نماید و حوایج مادی او از جهت بهداشت و نظافت و تغذیه و دیگر امور برطرف سازد (انصاری، ۱۳۹۲: ۴۷۷). در میان فقها و حقوق دانان آن چه مربوط به حضانت طفل است، تربیت جسمی محسوب می شود (انصاری، ۱۳۹۲: ۴۷۸).

۳-۵. تربیت جنسی

غریزه جنسی یکی از کشش های طبیعی انسان است که هرگونه افراط و تفریطی در برخورد با آن به صورت انکار و سرکوب یا بی بندوباری در آن خارج از اعتدال است. تجربه بشر امروز نشان داده است دو رویکرد انکار و سرکوب غریزه جنسی و نیز آزادی مطلق آن آسیب های متنوعی را در پی دارند. کودکان در مسیر رشد جسمی خود شاهد تغییرات جسمی و نیز وجود تفاوت هایی در دختران و پسران هستند. خانواده، اولین و امن ترین مکانی است که می تواند در هدایت این غریزه به ایفای نقش پردازد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸۷).

از این رو، تربیت جنسی عبارت است از: «فرایند یاری رسانی به مربی برای جهت گیری مناسب غریزه جنسی و جلوگیری از انحرافات آن در دوره پس از بلوغ» (موسوی و اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). دردین مبین اسلام، بیان احکامی همچون پنهان کاری در روابط زناشویی، استیذان، جدا سازی بستر خواب فرزندان و... همگی حکایت از توجه به امر تربیت جنسی دارد.

۴. روش های تربیت

روش در لغت به معنای طریقه، قاعده، قانون و شیوه است (دهخدا ۱۳۷۲، ۱۰۹۰۴: ۸). منظور از روش ها، رفتارها و فعالیت هایی است که مربی برای هدفی خاص به منظور تاثیرگذاری بر فراگیران انجام می دهد. فعالیت تربیتی برای این که در



زمره روش‌های تربیتی باشد، باید دو ویژگی داشته باشد: اول این که در مقام تربیت از فاعل صادر شده باشد؛ دوم این که در شخصیت فراگیران مؤثر باشد (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۵۴: ۱).

روش‌های تربیت، دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند که در جهت رسیدن به اهداف مورد استفاده‌ی مربی قرار می‌گیرند. رابطه روش‌ها با اهداف و اصول به این صورت است که اهداف جهت و مقصد فعالیت‌های مشترک مربی و متربی را نشان می‌دهد و اصول دستورالعمل‌های کلی‌تری است که راهنمای عمل مربی قرار می‌گیرد و روش‌ها راه‌هایی است که میان اصل و هدف امتداد دارد (هوشیار، ۱۳۲۷: ۴۷).

تفاوت اصول و روش‌ها در این است که اصول کلی است و چهار چوبه کلی رفتار و فعالیت‌های مربی را مشخص می‌کند، ولی روش‌ها در مقایسه با اصول جزئی هستند و در محدوده اصول به کار گرفته می‌شوند و نباید در تضاد با اصول و یا خارج از آن‌ها مورد استفاده قرار گیرند (بناری، ۱۳۸۸: ۷۲). از جمله روش‌های تربیت اسلامی عبارتند از: روش صیانت، روش موعظه، روش الگویی، روش وفای به وعده نسبت به متربی، روش تفرج و تفریح با متربی، روش ترغیب و ترهیب، روش تنبیه و... که در این مقاله به اهم آن‌ها اشارت می‌گردد:

۴-۱. روش صیانت از نفس

بر اساس آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش‌افروز اوست» (۶: تحریم)، والدین باید خانواده خود را از درافتادن به آتش دوزخ باز دارند. بر اساس منابع تفسیری و روایی وقایع و نگاهداشت خانواده از ورطه گناه با روش‌هایی چون موعظه، آموزش، امر و نهی، تأدیب و... حاصل می‌شود که بی شک موثر واقع شدن این روش‌ها در گرو تزکیه نفس خواهد بود؛ چنان که قرآن کریم رستگاری را در «تزکیه نفس» دانسته، می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹).

البته کاربرست روش فوق توجه دو نکته را ضروری می‌نماید:

الف. والدین و مربیان جهت صیانت و هر چه تأثیر گذاری بهتر، ابتدا باید به صیانت و تربیت خود مبادرت ورزند (قُوا أَنْفُسَكُمْ)؛ سپس از فرزندان و مربیان صیانت نمایند. به همین جهت در آیه لفظ «انفسکم» مقدم بر «اهلیکم» آورده شده است. راه صیانت از نفس آن است مربی از یک سو، درون خود را از صفات رذیله و خواهش‌های نفسانی مهذب کند و از سوی دیگر، خود را به فضیلت‌های اخلاقی و دینی مزین نماید.

ب. والدین و مربیان باید با روش‌های عملی و اجرایی تربیت دینی و اخلاقی مبتنی بر اسلام آشنا باشند تا به حسب اقتضاء و شرایط روحی و جسمی فرزندان و مربیان بتوانند از میان روش‌ها به عنوان مثال «ترغیبی» یا «ترهیبی» یکی را برگزینند.



از این رو، روش صیانت از نفس را می توان، با توجه به معیارهای اساسی اثربخش، از مؤثرترین روش های تربیت دینی و اخلاقی دانست؛ زیرا در این روش، فرد به صیانت از خویشتن در برابر گناه، رفتار نادرست و عوامل انحرافی ملتزم می شود، ارزش های دینی و اخلاقی از سطح قواعد بیرونی به سطح باور و اراده درونی انتقال می یابد و در نتیجه، رفتار اخلاقی حتی در شرایط فقدان ناظر خارجی نیز استمرار می یابد. از این منظر، صیانت از نفس علاوه بر جنبه پیشگیرانه، موجب تقویت مسئولیت پذیری، تقوا و خودنظارتی شده و زمینه را برای تداوم رفتار اخلاقی فراهم می سازد و در پی آن تربیت کودک نیز به تدریج با مطاوعه و اثر پذیری تکون می یابد و به مرحله ای می رسد که بدون وابستگی دائمی به تشویق، تنبیه یا نظارت مستقیم مربی رفتار دینی و اخلاقی را انتخاب و از رفتار ناهنجار اجتناب می کند.

۴-۲. روش الگویی

یکی از روش های تربیتی، روش الگویی است که از آن با عناوین الگوسازی، اسوه سازی، ارائه اسوه ها و قدوه ها، اسوه پذیری و الگوگیری یاد می شود. این روش از شیوه های عینی و کاربردی تعلیم و هدایت است و بر جان و دل متریان می نشیند. کودک در سال های نخستین زندگی از والدین، اطرافیان، همبازی ها، هم نشینان، معلمان و مربیان الگو می گیرد و شخصیت او از این طریق ساخته می شود و چون بزرگ تر شود از دوستان و شخصیت های اجتماعی، فرهنگی و هنری الگو می گیرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

علاوه بر تجربه بشری در بهره مندی از این روش، آیات و روایات فراوانی حکایت از این روش مهم دارند. بارز ترین و صریح ترین آیه که می توان از آن به آیه «الگو» تعبیر کرد، آیه ۲۱ سوره احزاب است که می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ همانا برای شما در (سیره) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می کنند». از جمله سیره های الگویی پیامبر (ص)، رفتار عملی آن حضرت بود که ابتدا خود عامل بود؛ سپس دیگران را به آن توصیه می نمود؛ چنان که می فرماید: «كونوا دعاه الناس بغير السنتكم؛ مردم را با عمل خود به اسلام دعوت کنید» (کلینی، ۱۰۵: ۲) و نیز نمونه دیگر از روش الگویی پیامبر (ص) توصیه به مدارا است که می فرماید: «أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ؛ همان گونه که به تبلیغ رسالت مأموریت یافته ام، به مدارا با مردم فرمان دارم» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۷، ج ۸۰: ۲).

۴-۳. روش موعظه

موعظه را می توان یک روش تربیتی دانست؛ زیرا روش تربیتی رفتاری است که از مربی با هدف اثر گذاری در مربی در جهت تحقق اهداف و برنامه های تربیتی سر می زند و موعظه رفتاری است که با چنین هدفی صورت می پذیرد؛ چرا که واعظ با این عمل در صدد هدایت و وادار کردن مخاطب به انجام کارهای پسندیده و برحذر داشتن او از کارهای ناپسند، با هدف تربیت یک انسان منطبق با تعالیم و آموزه های اسلامی است (قائمی مقدم، ۳۹۲، ۸۱: ۱).



در تربیت دینی موعظه علاوه بر جنبه سلبی جنبه ایجابی نیز دارد. از این رو، مواظب دینی در عین حال که مخاطب خود را از معصیت و گناه و کارهای ناپسند بازمی‌دارند، به انجام کارهای نیک و اطاعت خدا نیز فرا می‌خوانند (داوودی، ۱۳۹۴: ۱۸۹)؛ چنان که قرآن در موعظه لقمان بیان می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ (۱۷) وَلَا تَصْعَقْ خَلْقَ الْإِنسَانِ لَا تَمِشْ فِي الْأَرْضِ مُرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ أَنْ تُنْكِرَ الْإصْوَاتَ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ (۱۹)»؛ ای پسرک من! نماز به پا دار و امر به معروف و از منکر نهی کن و بر مصائب خویش صبر کن که این از کارهای مطلوب است (۱۷) ای پسرک من از در کبر و نخوت از مردم روی بر مگردان و در زمین چون مردم فرحناک راه مرو، خدا خودپسندان گردن فراز را دوست نمی‌دارد (۱۸) در راه رفتن خویش معتدل باش و صوت خود ملایم کن که نامطبوع ترین آوازاها آواز خران است (لقمان: ۱۹).

و از سوی دیگر، موعظه در تربیت دینی هم جنبه باز دارندگی دارد؛ هم جنبه هدایت (همان)؛ چنان که قرآن بیان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید « (نحل: ۹۰).

۴-۴. روش تشویق

تشویق در لغت از ماده شوق است؛ به معنای برانگیختن انسان، به شوق آوردن، راغب کردن، آرزومند ساختن، کار کسی را ستودن و او را دلگرم ساختن (عمید ۱۳۶۳، ۳۲۱). واژگانی که می‌توانند بار معنایی تشویق را به همراه داشته باشند، عبارتند از: ترغیب، تبشیر، تحریض و وعده (داوودی، ۱۳۹۴: ۱۶۳) و کار برد آن به دو گونه صورت می‌گیرد: ۱. کاری که بعد از انجام عملی مطلوب انجام می‌شود تا فرد مذکور نسبت به ادامه عمل و تکرار آن دلگرم شود. این معنا دقیقاً معادل تقویت در زبان‌شناسی رفتارگرایی است؛ ۲. کاری که انجام می‌شود تا فرد را برای انجام یا استمرار کار ترغیب و دلگرم سازد؛ خواه قبل از انجام عمل باشد یا بعد از آن. تشویق معنای دوم، مترادف است با ترغیب. در زبان عربی تشویق فقط در معنای دوم به کار می‌رود و برای رساندن معنای اول از لفظ جزا (پاداش) استفاده می‌کنند (داوودی، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

از شیوه‌های مؤثر تشویق در کلام الهی در نظر گرفتن پاداش‌هایی است که به میزان دو و یا چند برابر به صالحان وعده داده شده است؛ بدین گونه که پاداش عمل عیناً به اندازه‌ی اصل کار نیست، بلکه به مراتب بر آن فزونی می‌گیرد و افزایش می‌یابد (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۹۸: ۲۷۸)؛ چنان که خداوند در ترغیب مسلمانان برای امرجهاد، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»؛ ای پیامبر مؤمنان را به جهاد تشویق کن که اگر از شما بیست نفر شکيبا باشند بر دویست نفر غلبه می‌



کنند و اگر از شما یک صد تن باشند بر هزار تن از کسانی که کفر ورزیده اند پیروز می گردند؛ زیرا آنها به نتیجه کار خود آگاهی ندارند» (انفال : ۶۵).

تشویق در سیره معصوم (ع) پیوسته مورد توجه و توصیه قرار گرفته است ؛ چنان که علی (ع) در عهد نامه مالک اشتر در راستای برقراری عدالت به امر تشویق و استفاده متناسب از آن میان کارگزاران توصیه نموده، می فرماید : « ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اُبْلَى وَ لَا تَضُمَّنْ بَلَاءَ امْرِئٍ اِلَى غَيْرِهِ وَ لَا تُقْصِرَنَّ بِهٖ دُونَ غَايَةِ بَلَايِهِ وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِئٍ اِلَى اَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَايِهِ مَا كَانَ صَغِيْرًا وَ لَا ضَعْفُ امْرِئٍ اِلَى اَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَايِهِ مَا كَانَ عَظِيْمًا ؛ همواره در نظر دار که هر یک چه مقدار رنج و تلاش کرده اند، و رنج کسی را به دیگری نسبت نده و در اجر و مزدش به اندازه رنجی که برده کوتاهی مکن (مقدار تشویق متناسب با عمل) شرف و بزرگی کسی تو را وادار نکند که رنج اندکش را بزرگ شماری (بی جا او را تشویق کنی) و فرو دستی کسی تو را وادارد که رنج بزرگش را کوچک شماری (و او را تشویق مناسب نکنی) . » (نهج البلاغه ، ۵۵۸ : ۵۳) حضرت در ارزیابی برای تشویق توصیه می فرمایند که به کم و کیف عمل توجه کن؛ نه به شخص عامل.

و نیز علی (ع) در باب کمیّت تشویق ، هر گونه افراط و تفریط را منفی شمرده می فرماید : « الشَّاءُ بِاَكْثَرِ مِنَ الْاِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيْرُ عَنِ الْاِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ اَوْ حَسَدٌ ؛ ستودن بیش از آن چه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است » (نهج البلاغه ، ۶۹۸ : حکمت ۳۴۷) .

در نتیجه مربی باید از هر گونه افراط و مبالغه در تشویق پرهیز نماید و از سویی متعلّق تشویق ، باید عمل و رفتار نیک متربی باشد نه شخص متربی ؛ چه اینکه اگر متعلّق تشویق شخص باشد احتمال دو آسیب در آن وجود دارد: یکی این که ممکن است موجب غرور و تکبر شخص گردد و دیگر آن که ممکن است حسادت دیگران را برانگیخته سازد و در پی این دو امکان الگو برداری نیز کم تر خواهد شد.

۴-۵. روش تنبیه

تنبیه در لغت به معنای آگاه و بیدار کردن ، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن و گوشمالی دادن آمده است (دهخدا ۱۳۷۲ ، ذیل تنبیه و معین ۱۳۸۱ ، ۱۴۴۸ : ۱) و در اصطلاح عبارت است از « مواجه ساختن متربی خطاکار با یک تجربه ناخوشایند، به منظور آگاه ساختن وی از پیامد رفتار نامطلوب خود و جلوگیری از تکرار آن » (قائمی، مقدم ۱۳۸۸ : ۱۳۷).

تنبیه از روش های تربیتی است که در موقعیت های ویژه ای می تواند روشی باز دارنده و گاه اصلاحی باشد (همان) و مبادرت به آن بعد از اقدامات تشویقی قرار دارد. در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشود و خطا و تخلفی از سوی متربی صورت پذیرد، به منظور آگاهی دادن به او و جلوگیری از تکرار تخلف و نیز به منظور سالم سازی فضای خانواده، مدرسه و جامعه می توان ابتدا به انذار و سپس به تنبیه روی آورد. بدون شک، روی آوردن به تنبیه نه از سر تشفی خاطر که به منظور هدایت و تضمین سعادت است؛ چون چشم پوشی از خطا کاری ها و تخلفات نقض غرض تربیت است (بهشتی و



همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴۰). در فقه اسلامی نیز مقتضای اصل اولی « جایز نبودن تنبیه » است و باید تا جایی که امکان دارد از آن اجتناب کرد، اما موارد استثنایی وجود دارد که علمای تربیتی و فقهای اسلام تنبیه را از جهت تربیت و تأدیب جایز دانسته‌اند، ولی برای آن شرایط و حدودی تعیین کرده‌اند. (شکراهی و اعرافی ۱۳۹۵، ۳۶۲: ۲۴).

تنبیه کودک در امور اخلاقی و عادت دهی به عبادت با واژگانی همچون « مؤاخذه »، « تأدیب » و « ضرب » و مشتقات این‌ها در روایات استعمال شده است که با استفاده از روایات، مشروط بر سپری شدن روش‌های تمهیدی، والدین یا متولی تربیت می‌تواند کودک را در سه مرحله زبانی، عاطفی و فیزیکی به ترتیب اولویت تنبیه نمایند.

۴-۵-۱. تنبیه زبانی

اولین مرحله برای تنبیه کودکی که از انجام فریضه نماز سر باز زند، مؤاخذه و تذکر لفظی است که در این مرحله والدین یا متولی تربیت در خلوت و به دور از چشم دیگران در مورد خطای کودک به او تذکر می‌دهد. اثر تربیتی این برخورد این است که اولاً، او نسبت به خطایش آگاهی پیدا می‌کند و ثانیاً، حرمت و شخصیت او محفوظ می‌ماند (قائمی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴۳)؛ چنان‌که علی (ع) می‌فرمایند: «الْأَصْحَابُ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ؛ نصیحت کردن در حضور دیگران، خُرد کردن شخصیت است» (غررالحکم و دررالکلم، بیتا، ۷۷۵: ۲).

مستند حکم فوق روایتی است از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «أَذْبُ صِغَارِ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ، فَإِذَا بَلَغُوا عَشَرَ سِنِينَ فَاضْرِبْ وَلَا تُجَاوِزْ ثَلَاثًا؛ کودکان خرد سال خود را [نخست] با زبان بر نماز و وضوء تأدیب کن و چون ده ساله شدند [و اطاعت نکردند] آنها را تنبیه بدنی کن، ولی نه بیش از سه ضربه» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰، ۲: ۱۵۵). از این روایت دو حکم استفاده می‌گردد: یکی آن‌که مدلول منطوقی روایت، تأدیب زبانی را به عنوان اولین مرحله در تنبیه تأیید می‌کند و دیگر این که اطلاق روایت در تنبیه زبانی همه دوران کودکی را فرا می‌گیرد، اما تنبیه بدنی قبل از ده سالگی ممنوع شمرده شده است.

۴-۵-۲. تنبیه عاطفی

این روش با استفاده از نمادهایی مانند: محرومیت از محبت، محرومیت از امکانات، قهر کوتاه مدت و همچنین پاداش به نیکوکار صورت می‌پذیرد (شکراهی، ۱۳۹۵، ۲۴: ۳۸۰). در میان نمادهای فوق قهر بیش‌ترین تأثیر تربیتی را به همراه دارد و در موارد متعددی مورد توجه آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) قرار گرفته است؛ چنان‌که قرآن در مورد زنانی که با همسرانشان سرنا سازگاری در پیش می‌گیرند، می‌فرماید: «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ؛ در بستر از آنها دوری [قهر] نمایند» (نساء: ۳۴).

هجر و هجران به معنای قهر کردن آمده است و قهر کردن یکی از طرق اصلاحی است. قهر کردن گاهی ممکن است به صورت حرف نزدن، زمانی به صورت بی‌اعتنایی، بعضی اوقات به صورت به حساب نیاوردن و پاره‌ای وقت‌ها به بازی

نگرفتن کودک باشد؛ به گونه ای که کودک حس کند پدر یا مادر، با او میانه خوبی ندارد. شایان ذکر است که قهر کردن نباید از روی ستیز باشد، بلکه صرفاً قهر یک وسیله تربیتی است که باید هدف تربیتی مربی را برآورده سازد (فرقانی، ۱۳۷۹: ۵۶). مستند روش تنبیهی فوق روایتی است از امام موسی بن جعفر (ع) که خطاب به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود، فرمودند: « لَا تَضْرِبُهُ، وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطْلِ؛ او را نزن، بلکه برای مدتی کوتاه با او قهر کن » (مجلسی، ۱۳۶۹ ه. ق، ۱۱۴: ۲۳) و در روایت صحیحی ای رسول خدا (ص) قهر طولانی را منع کرده، فرمودند: « لَا هِجْرَةَ فَوْقَ ثَلَاثٍ؛ قهر بیش از سه روز، روا نیست » (کلینی ۱۴۰۷ ق، ۲: ۳۴۴).

۴-۵-۳. تنبیه بدنی

تنبیه بدنی در فقه تربیتی صرفاً جهت اصلاح و پیش گیری از تکرار خطا و جرم جایز شده است؛ چنان چه این دو بدون تنبیه تأمین گردد، هر گونه تنبیهی حرام شمرده شده است. از این رو، فقها برای تنبیه به عنوان روشی مستقل، اصالتی قائل نشده، به آن جنبه طریقیّت داده اند نه موضوعیّت و کاربست آن زمانی است که دو روش فوق مؤثر واقع نشود. آن گاه می توان از روش تنبیه بدنی با رعایت حدود شرعی استفاده نمود؛ چنان که امام باقر (ع) این نوع تنبیه را به عنوان آخرین علاج دانسته، می فرماید: « آخر الدواء الکی؛ آخرین دواء سوزاندن و داغ کردن است » (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۵: ۲۲۶).. باید دانست که این نوع تنبیه، یک عامل بازدارنده غالباً سازنده نیست، بلکه گاهی در تربیت مخرب و آسیب زا است؛ زیرا تنبیه بدنی آفات و ضررهای جسمی، روحی و روانی در پی دارد که گاهی جبران آن مشکل و یا غیر ممکن است؛ برای مثال کودک ممکن است از ترس کتک، به حسب ظاهر و در حضور اولیاء و یا مربیان عمل مورد نظر را انجام دهد و یا از این کار خلاف خود دست بردارد، ولی در غیاب آن ها بر خلاف نظر آن ها عمل کند. چنین عمل کردن کم کم به نوعی نفاق و دورویی مبتلا می شود (شکرالهی و اعرافی ۱۳۹۵، ۲۴: ۳۸۱). از دیگر سو، هر چند در مواردی تنبیه جایز شمرده شده است، اما آنچه از روایات و سیره رسول گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) بر می آید این است که هیچ گاه در تربیت فرزندان خود به روش تأدیب و تنبیه تمسک نجسته اند.

۵. مدل تحلیلی یافته های پژوهش درباره روش های تربیت دینی و اخلاقی

محدودیت و ملاحظات	شرایط کاربرد	مخاطب	هدف تربیتی	مستند قرآنی/روایی	روش تربیتی
نباید صرفاً به کنترل بیرونی محدود شود؛ هدف، درونی شدن ارزش	نخست اصلاح و تهذیب مربی؛ سپس استفاده	متربیان، به ویژه فرزندان؛ همچنین مربی به	مصون سازی متربی از گناه و عوامل انحرافی و انتقال ارزش ها	« قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا » (تحریم ۶) و « قَدْ أَفْلَحَ مَنْ »	روش صیانت



	ها و کاهش وابستگی به ناظر خارجی است.	متناسب از آموزش، موعظه، امر و نهی و تأدیب با توجه به وضعیت مربی.	عنوان شرط مقدماتی.	به سطح باور، تقوا و خودنظارتی.	زَکَاہَا «شمس : (۹)
روش الگویی	تعارض گفتار و کردار اثر تربیتی را تضعیف می کند؛ الگوگیری نباید به تقلید فاقد شناخت منتهی شود.	مربی خود به رفتار مورد توصیه ملتزم باشد و میان گفتار و کردار او تعارض نباشد.	کودکان و نوجوانان و سایر مربیان.	انتقال عملی ارزش ها از طریق مشاهده و اقتدا و تبدیل آموزه های انتزاعی به رفتار عینی.	«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)
روش موعظه	نباید به تکرار لفظی و انتزاعی توصیه ها تقلیل یابد؛ در صورت ناکافی بودن، با روش های دیگر همراه شود.	متناسب با سن، وضعیت روحی و سطح درک مربی و با هدف هدایت و اصلاح.	مربیانی که ظرفیت فهم و پذیرش پیام تربیتی را دارند.	هدایت به رفتار مطلوب و بازداشتن از رفتار نامطلوب؛ ایجاد آگاهی، تذکر و انگیزش درونی.	موعظه لقمان «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ... يَعْظُمُكُمْ» (نحل: ۹)
روش تشویق	تشویق زیادی می تواند به غرور و چاپلوسی و تشویق	متناسب با کم و کیف عمل، شرایط تربی و	مربی دارای رفتار مطلوب یا	ایجاد شوق، تقویت رفتار مطلوب، استمرار عمل	«حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال: ۶۵) عهدنامه مالک



	نامتناسب به کاهش اثر تربیتی منجر شود.	هدف تربیتی؛ ترجیحاً رفتار مطلوب موضوع تشویق باشد.	آمادگی انجام آن.	نیک و افزایش انگیزه.	اشتر؛ حکمت ۳۴۷ نهج البلاغه
تنبيه - روش کلی	اصل بر عدم توسل به تنبيه است؛ تنبيه اصالت موضوعی ندارد و باید استثنایی، متناسب و محدود باشد.	پس از روش های ایجابی و تذکر، در صورت ضرورت و با هدف اصلاح، نه تشفی خاطر.	متربی خطاکار، پس از بی اثر ماندن روش های مقدماتی.	آگاه سازی از پیامد رفتار نامطلوب، جلوگیری از تکرار خطا و اصلاح رفتار.	روایت «آخر الدواء الکی» (حرعاملی ۱۴۰۹، ۲۵: ۲۲۶).
تنبيه زبانی	نباید به تحقیر، سرزنش علنی یا شکستن شخصیت منجر شود.	نخستین سطح تنبيه، ترجیحاً در خلوت و دور از نگاه دیگران.	کودک یا متربی خطاکار.	آگاه کردن از خطا، تذکر و جلوگیری از تکرار رفتار نامطلوب همراه با حفظ شخصیت.	روایت «أَذِبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰، ۲: ۱۵۵)
تنبيه عاطفی	قهر طولانی، تحقیر عاطفی و محروم سازی افراطی با هدف اصلاحی ناسازگار است.	کوتاه مدت، محدود و با هدف تربیتی؛ بدون قطع پایدار عاطفه و محبت.	متربی ای که تذکر زبانی درباره او کافی نبوده است.	ایجاد احساس پیامد رفتار نامطلوب و اصلاح رفتار بدون توسل فوری به تنبيه جسمانی.	«وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء: ۳۴) «لَا تَضْرِبُوهُ، وَاهْجُرُوهُ وَلَا تُطِلْ»



اصالت مستقل ندارد و جنبه طریقی دارد؛ به دلیل احتمال آسیب های جسمی و روانی، باید استثنایی و محدود باشد.	صرفاً به عنوان آخرین مرحله و با رعایت قیود و حدود شرعی و ضرورت تربیتی.	متربی‌ای که مراحل مقدماتی درباره او مؤثر واقع نشده است.	جلوگیری از تکرار خطا و اصلاح رفتار در صورت ناکامی روش های قبلی.	روایت «فَإِذَا بَلَغُوا عَشَرَ سِنِينَ فَاضْرِبْ» و «آخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيُّ»	تنبيه بدنی
---	--	---	--	--	---------------

بدین ترتیب، برآیند یافته‌ها نشان می‌دهد که روش‌های تربیت دینی و اخلاقی مجموعه‌ای از شیوه‌های هم‌عرض و مستقل نیستند، بلکه میان آن‌ها رابطه‌ای تربیتی و تکاملی برقرار است. در این الگو، صیانت ناظر به ایجاد زمینه تقوایی و خودنظارتی، روش الگویی ناظر به انتقال عملی ارزش‌ها، موعظه ناظر به آگاهی‌بخشی و هدایت، و تشویق ناظر به تقویت و استمرار رفتار مطلوب است. در مقابل، تنبیه در مرتبه‌ای پسینی قرار می‌گیرد و خود نیز از تنبیه زبانی، عاطفی و در نهایت بدنی به صورت مرحله‌ای تشکیل می‌شود. بنابراین، منطق حاکم بر مدل، حرکت از درونی‌سازی ارزش‌ها و ایجاد انگیزش مثبت به سوی مداخله اصلاحی محدود و استثنایی است؛ به گونه‌ای که هرچه روش‌های مقدماتی و درونی مؤثرتر باشند، نیاز به مداخله تنبیهی کاهش می‌یابد.

۶. نتیجه‌گیری

برآمد تحقیق آن است که تربیت دینی و اخلاقی کودک از مهم‌ترین مسئولیت‌های والدین، معلمان و مربیان است و تحقق آن نیازمند توجه هم‌زمان به همه ساحت‌های تربیت، به‌ویژه بعد دینی و اخلاقی است. اما از این رو که عمده مباحث تربیتی در حوزه علوم انسانی بر مبنای سکولار نهادینه شده است، باید جهت برون رفت از این چالش، به آیات و روایات روی آورد. در این چارچوب، تربیت دینی مجموعه اعمال منطبق بر آموزه‌های معتبر دینی است که از روی اختیار، عمد و هدفمند از سوی مربی عالم و عامل انتقال می‌یابد و تربیت اخلاقی نیز فرایندی است که از طریق آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی، زمینه شکل‌گیری و تقویت رفتار اخلاقی فرد را فراهم می‌سازد. بنابراین، تربیت دینی و اخلاقی صرفاً انتقال مفاهیم و آموزه‌ها نیست، بلکه فرایندی هدفمند برای درونی‌سازی ارزش‌ها و تبدیل آنها به باور، گرایش و رفتار است.

همچنین، یافته‌ها بیانگر آن است که سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) غنی‌ترین و معتبرترین منبع برای دستیابی به اصول و شیوه‌های صحیح تربیت دینی و اخلاقی به شمار می‌رود و بهره‌گیری از گفتار و کردار آن بزرگواران می‌تواند مسیر تربیتی مطلوبی را برای مربیان و والدین فراهم آورد. از سوی دیگر، تربیت دینی و اخلاقی باید از همان آغاز زندگی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا تربیت در دوره کودکی، پایه و اساس رشد و بالندگی معنوی فرد در مراحل بعدی زندگی است و بسیاری از باورها، نگرش‌ها و رفتارهای دینی و اخلاقی در همین دوره شکل می‌گیرند.

از منظر تربیتی، تحقق اهداف مورد نظر بدون بهره‌جستن از روش‌های مناسب امکان‌پذیر نیست. روش‌های تربیتی دستورالعمل‌های جزئی‌تری هستند که برای رسیدن به اهداف تربیتی مورد استفاده مربی قرار می‌گیرند؛ اهداف، جهت و مقصد فعالیت تربیتی را مشخص می‌کنند، اصول، دستورالعمل‌های کلی راهنمای عمل مربی‌اند و روش، راهی است که میان اصول و اهداف امتداد می‌یابد و متناسب با اقتضائات و شرایط تربیتی تغییر می‌کند. از این رو، انتخاب روش تربیتی باید با توجه به وضعیت روحی و جسمی کودک، میزان تأثیرپذیری او و شرایط موجود صورت گیرد و نمی‌توان یک روش واحد را برای همه کودکان و همه موقعیت‌ها به کار گرفت.

در مجموع، روش‌های تربیت اسلامی گونه‌های متعددی دارد که از جمله می‌توان به روش‌های صیانت از نفس، موعظه، الگویی، تشویق، تنبیه و دیگر شیوه‌های تربیتی اشاره کرد؛ با این حال، اثربخشی آنها وابسته به نحوه و زمان به‌کارگیری و تناسب آنها با شرایط تربیتی است. در این میان، روش صیانت از نفس و روش الگویی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های تربیتی است؛ زیرا کودک بیش از آنکه از گفتارهای صرفاً آموزشی تأثیر بپذیرد، از رفتار و کردار الگوهای مورد پذیرش خود تأثیر می‌گیرد. در مقابل، روش تنبیه را می‌توان از ضعیف‌ترین و کم‌اثربترین شیوه‌ها در تربیت دانست که آن هم نوع زبانی و عاطفی بر تنبیه بدنی مقدم است؛ زیرا هرچند ممکن است در شرایط خاص از آن به‌عنوان یک ابزار محدود بازدارنده استفاده شود، به‌تنهایی توانایی ایجاد و تثبیت فضایل اخلاقی و باورهای دینی را ندارد.

بنابراین، می‌توان گفت تربیت دینی و اخلاقی موفق، تربیتی هدفمند، تدریجی، متناسب با اقتضائات دوران کودکی و مبتنی بر سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که در آن اصول و اهداف تربیتی با روش‌های متناسب پیوند می‌یابند. توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند زمینه رشد متوازن کودک و شکل‌گیری شخصیت دینی و اخلاقی او را فراهم سازد و در نهایت، موجب انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی از سطح آموزش و توصیه به عرصه باور و رفتار عملی شود.



فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳، (۱۳۷۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، نشر علمی و فرهنگی
- ۳- ابن شعبه حرانی، حسین بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ۴- ابن منظور، محمد، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت: موسسه دارالاحیاء التراث العربی
- ۵- اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۵)، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، نشر اشراق و عرفان.
- ۶- اعرافی، علیرضا، ابراهیمی، جواد، (۱۳۹۸)، فقه تربیتی (وظایف نهاد های تربیتی ۱)، جلد بیست و پنجم، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ اول
- ۷- اعرافی، علیرضا، مبلغ، محمدکاظم، (۱۳۹۹)، فقه تربیتی وظایف نهاد های تربیتی ۲، جلد بیست و ششم، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ اول
- ۸- اعرافی، علیرضا، موسوی، سید نقی، (۱۳۹۵)، فقه تربیتی ۱ (مبانی و پیش فرض ها)، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ سوم
- ۹- انصاری، قدرت الله، (۱۳۹۲) احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار
- ۱۰- جمعی از نویسندگان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، فلسفه تعلیم و تربیت، جلد اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۱۱- جهان بخشی، حیدرعلی، (۱۴۰۳)، روش های تربیت اخلاقی در مثنوی معنوی، فصلنامه مطالعات ادبی دینی، شماره ۱(۱)، ۷۹-۵۲
- ۱۲- حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۹۱)، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول
- ۱۳- حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۳) درآمدی بر الزام فرزندان به تکالیف دینی، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴۰، ۷۱-۵۰
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ه ق) وسایل الشیعه، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، لایه‌التراث
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول
- ۱۷- رفیعی، بهروز، (۱۳۹۰)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم
- ۱۸- سبجانی، جعفر، (۱۳۸۳)، سکولاریسم یا عرفی شدن دین و فقه، مجله کلام اسلامی، شماره ۵۰، ۲۹-۵
- ۱۹- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۰) فلسفه آموزش و پرورش، تهران، امیر کبیر
- ۲۰- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۴۱۶) الخصال، قم: موسسه نشر الاسلامی
- ۲۱- فلسفی، محمدتقی، (۱۳۹۵)، کودک از نظر وراثت و تربیت، جلد اول، هیات نشر معارف اسلامی، چاپ پانزدهم
- ۲۲- فضل اللهی، سیف الله و جهان بخشی، حیدرعلی، (۱۳۹۳) توسعه فرهنگی و مبانی تربیتی آن در قرآن، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- ۲۳- قائمی، علی، (۱۳۶۵)، زمینه تربیت، تهران، نشر امیری
- ۲۴- قدرتی، محمد و غفوری چرخابی، حسین (۱۳۹۸) تربیت اخلاقی با رویکرد تطبیق در قاعده لاضرر، مجله معرفت، سال ۲۸، شمار ۱، ۴۷-۳۵
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، جلد ششم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۱۰ق) بحار الأنوار، ۳۳ جلد، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه
- ۲۸- موسوی خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۵ ه ق)، تحریر الوسیله، مترجم: اسلامی، علی، قم، انتشارات اسلامی
- ۲۹- مؤمنی، عابدین و کلباسی، (۱۳۹۶)، مبانی فقهی وجوب تربیت، فصلنامه مطالعات فقه تربیتی، شماره ۸، ۲۶۸-۱۴۱
- ۳۰- نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق) مستدرک وسائل الشیعه، بیروت: موسسه آل البيت لایه‌التراث
- ۳۱- همت بناری، علی، (۱۳۸۸)، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، قم، نشر موسسه امام خمینی، چاپ دوم